هو الله

مدّتی شد که آنجناب در پاریس بخدمت مشغولید هرچند زحمت و مشقّت بسیار است ولی خدمت پروردگار است و اکمال فنّ طبابت آندیار لهذا سزاوار شکرانه است باید نهایت شکرگذاری را از حصول این موهبت مجری دارید زیرا بعون و عنایت حق اسبابی چنین فراهم آمد که شما در پاریس باشید و نفس نفیس را فدای امر الهی نمائید با جناب آقا سیّد اسداللّه بنهایت مدارا رفتار کنید تا میر ناصر بیاید پیش از وصول میر ناصر حرکت شما جائز نه این شخص در نزد عبدالبهآء بسیار عزیز است زیرا از سادات خمسه است که در ایّام مبارک همواره الطاف جمال قدم شامل حال بود و توقیعات اسم اعظم متعدّد در حقّ ایشان صادر این قضیّهٴ حاصلهٴ عوارض از شدّت تفکّر و تدبّر و سعی و کوشش در امور حاصل گردید و حکمت بالغه‌ئی در این عنقریب ظاهر خواهد شد

 و امّا شروح مسیو انژلمن در خطوط فصّ نگین اعظم هرچند بدرجه‌ئی مقارن حقیقت است ولی باید که تعمّق زیاد نمایند و تدبّر کلّی فرمایند زیرا مرکّب از دو باست و چهار هاء شرح باء در تفسیر بسم اللّه الرّحمن الرّحیم مرقوم گردیده بسیار مفصّل است در این نامه نگنجد رجوع بآن شود تکرّر باء اشارهٴ مقام غیب و شهود است و امّا چهار هاء که ارکان اربعهٴ بیت توحید است و عددش متمّم عشره است زیرا یک با دو سه سه و سه شش شش و چهار ده و اشارهٴ باین مقام در آیهٴ قرآنست که میفرماید و اتممناه بعشره باری هاء را عدد پنج است و این هاء هاء هویّت و حقیقت رحمانیّه است در عدد پنج که عدد بابست ظاهر و آشکار است لهذا در فصّ نگین اعظم باء با هاء ترکیب شده است و همچنین اسم اعظم از آن نقش ظاهر و عدد اسم اعظم نُه است چون نُه را که عدد بها است در باب که عدد پنج است ضرب نمائید نُه پنج است که چهل و پنج گردد و همچنین پنج را که عدد بابست در نُه ضرب کنی که عدد بها است چهل و پنج است و این عدد با عدد آدم مطابق است و همچنین مفردات نُه را چون جمع کنی چهل و پنج است یک و دو سه سه و سه شش شش و چهار ده ده و پنج پانزده پانزده و شش بیست و یک بیست و یک و هفت بیست و هشت بیست و هشت و هشت سی و شش سی و شش و نُه چهل و پنج و همچنین چون عدد باب را جمع کنی پانزده گردد یک و دو سه سه و سه شش شش و چهار ده ده و پنج پانزده مطابق عدد حوّاست و موافق حدیث انا و علیّ ابوا هذه الامّة مقصد از آدم حقیقت فائضهٴ متجلّیهٴ فاعله است که عبارت از ظهور اسما و صفات الهیّه و شئونات رحمانیّه است و حوّا حقیقت مقتبسهٴ مستفیضهٴ مستنبئهٴ منفعله است که منفعل بجمیع صفات و اسماء الهیّه است باری این ادنی رمزی از ترکیب اسم اعظم در فصّ نگین رحمانیست و همچنین ملاحظه کنید که سطوح ثلاثه عالم حق و عالم امر و عالم خلق است که مصادر آثار است عالم حق مصدر فیض جلیلست و عالم امر مرآت صافیهٴ لطیف که مستنبأ از شمس حقیقتست و عالم خلق مصدر اقتباس انوار است که بواسطهٴ وسیلهٴ کبری المستفیضة من الحقّ و المفیضة علی الخلق حاصل گردد باری باء حقیقی که حقیقت کلّیّه است چون در مراتب ثلاثه از ذروهٴ اعلی تا بمرکز ادنی نزول و تجلّی کرد جامع و واجد جمیع عوالم شد و در افق عزّت قدیمه دو کوکب نورانی ساطع و لامع گردید کوکبی از یمین و کوکبی از یسار و این رمز عظیم دو شکلیست که در یسار و یمین اسم اعظم در فصّ نگین محترم ترسیم گردیده و رمز از ظهور جمال ابهی و حضرت اعلی است و هرچند دو شکل یمین و یسار بصورت ستاره است ولی اشاره بهیکل انسانیست که عبارت از سر و دو دست و دو پاست و علیک البهآء الابهی ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ١۴ اوت ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر